بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسأله زيارت اهل قبور و احترام به اموات، همواره در اجتماعات بشري رواج داشته و از اختصاصات جامعه ديني و اسلامي نمي باشد؛ بلكه تمام جوامع بشري با هر دين و آيين، به آن احترام مي گذارند. اين احترام به مردگان و اهتمام به زيارت اهل قبور، از باطن و سرشت انسان سرچشمه گرفته و او را به آن وادار مي كند و داراي منافع انساني و اجتماعي است. از اين جهت همواره مورد توجه و عنايت ملت ها و مردم بوده است. شارع مقدس، به منظور اهداف تربيتي انساني كه از زيارت قبور به فرد و اجتماع برمي گردد مسلمين را به اهتمام درباره زيارت اهل قبور فرا خوانده است. در اين جا به برخي از فوايد آن اشاره مي شود:

الف: عبرت و پند گرفتن

زيارت اهل قبور، از امور موعظه بخش و عبرت دهنده است. كسي كه سري به قبرستان مي زند و كوچك و بزرگ و فقير و غني را در آن جا آرميده مي بيند، بي اختيار توجه مي كند كه او نيز در هر شرايطي كه به سر مي برد روزي بايد در چنين قبرستاني قرار بگيرد. چنين احساسي به طور طبيعي او را از ادامه كارهاي زشت منع مي كند؛ بلكه به او هشدار مي دهد كه خود را براي چنين جايگاهي آماده كند. در حديثي از پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله به اين فايده اشاره شده است: ((قبور را زيارت كنيد؛ زيرا در آن عبرت است)).(1)

روشن است كه پند و عبرت گرفتن، فقط در زيارت قبور اولياء، صالحان و امثال آنان نيست؛ بلكه قرآن كريم اشاره مي كند كه در قبور ستمگران و طاغوت هاي عالم نيز عبرت و موعظه مي باشد: {فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ}(2) خداوند اراده كرده است كه جسد فرعون با اين كه آن همه قدرت داشت و پيروانش خيال مي كردند كه او نمي ميرد، يكي از ابزار و وسايل عبرت باشد. اين آيه از بني اسرائيل و نسل هاي آينده، به طور صريح مي خواهد كه قبر و مرده فرعون را زيارت كنند، تا ببينند كه فرعون چه سرنوشتي پيدا كرده است و همه ي هم مسلك هاي او به همان گرفتار مي شوند كه او دچار شده است.

زمخشري در تفسيرش مي نويسد: ((فرعون با آن همه عظمت و بزرگي كه داشت، عاقبت امرش در اثر معصيت و نافرماني پروردگارش، به كجا انجاميد؛ پس ديگران كارشان به كجا خواهد انجاميد؟!)) و نيز مي گويد:

((داستان فرعون، عبرتي است كه امت ها بايد از آن پند بگيرند و مانند فرعونيان بر مولايشان تجري و بي حيايي نكنند)).(3)

بنابر اين باقي گذاشتن بدن فرعون، به منظور تماشا و ديدن بوده است كه قهراً داراي عبرت و موعظه است.

---

1. . مستدرك حاكم: ج 1 ص 375 (كتاب جنايز در زيارت قبور).

2. . يونس: (10)، 92.

3. . كشاف زمخشري: ج 2، ص 369.

ب :يادآخرت و دل كندن از دنيا

اعتقاد به معاد از اصول دين است. كسي كه معتقد است روزي بايد جوابگوي اعمالش باشد و آفرينش او بيهوده نبوده و نيست، نتايج زيادي خواهد ديد، چنين اعتقاد و احساسي، انسان را بر ترك تباهي و شرارت و نيز انجام كارهاي خوب و پسنديده تشويق مي كند. زيارت اهل قبور با تقويت چنين اعتقادي، انسان مسلمان را در جهت خير، تربيت مي كند و او را از حرص بر زرق و برق دنياي گذرا، باز مي دارد و همين مضمون از حديث رسول خدا صلي الله عليه و آله استفاده مي شود كه فرمود:

((من قبلاً شما را از زيارت قبور منع كرده بودم؛ ولي حالا مي گويم: قبور را زيارت كنيد ؛ زيرا موجب دل كندن از دنيا و ياد آوري آخرت است)).(1)

---

1. . سنن ابن ماجه: ج 1 ص 501، باب 47، حديث 1571.

ج: رشد و توسعه ى خير و عواطف والا

زيارت اهل قبور، احساس خير خواهي و فضيلت جويي را رشد مي دهد. پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله مي فرمايد:

((قبلاً شما را از زيارت قبور منع كرده بودم؛ ولي حالا مي گويم قبرها را زيارت كنيد ؛ زيرا موجب زيادي خير مي شود)).(1)

در حديث ديگر آمده است:

((قبور را زيارت كنيد؛ زيرا موجب رقّت قلب و به راه افتادن اشك چشم و ياد آخرت مي شود، و هنگام زيارت قبور حرف هاي بيهوده نگوييد)).(2)

انساني كه نگاهش به قبرها مي افتد، به عاقبتش فكر مي كند و از محبت خداوند به گريه در مي آيد. قهراً اين گريه و چنين احساساتي، رابطه او را با درگذشتگان و ساير افراد جامعه تقويت مي كند. در نتيجه موجب رشد اُلفت و علاقه، ترحم بر ديگران و اداي حقوق و امانات و انجام وظايف محوله مي شود. اينها برخي از فوايد و منافع زيارت اهل قبور است و بحثي در آن نيست؛ ولي ما در اينجا مي خواهيم زيارت قبور را از ناحيه شرعي مورد بحث قرار بدهيم و ببينيم كه آرا و نظريات مذاهب مختلف اسلامي در اين باره چيست؟ از اين رو بايد چندين مطلب را مورد بررسي و تحقيق قرار دهيم:

---

1. . مستدرك حاكم: ج 1، ص 376 (كتاب جنائز).

2. .همان.

- اجماع بر زيارت قبور و قبر پيامبراكرم - صلي‌الله عليه و اله -

مسلمانان همگي قولاً و عملاً نه تنها زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله را جايز مي دانند؛ بلكه زيارت قبور پيغمبران، صالحان و مؤمنان را هم مستحب مي دانند، و مشروعيت زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله نزد مسلمانان ملحق به ضروريات است؛ تا چه رسد به اجماع و سيره اي كه در مسأله وجود دارد.

سمهودي از ((سبكي)) نقل مي كند:

به اين كه، عياض گفته كه زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله بين مسلمانان سنت است كه همگي بر آن اجماع دارند و داراي فضيلت مي باشد.(1)

سبكي گفته:

علما و دانشمندان، بر استحباب زيارت قبور براي مردان همان طوري كه ((نووي)) آن را حكايت كرده است اجماع دارند؛ بلكه برخي از فرقه ظاهريه آن را واجب مي دانند. درباره زيارت قبور براي زنان اختلاف است. البته قبر شريف رسول خدا صلي الله عليه و آله داراي دلايل خاصي است و به همين خاطر مي گويم: بين مردان و زنان در مورد زيارت

قبر آن حضرت، فرقي نيست. (2)

---

1. . الشفاء قاضي عياض: ج 2، ص 83.

2. . شفاء السقام سبكي: ح 70،69 (چاپ استانبول 1318 هـ).

- اقوال علماء

در اين جا به نظر چند تن از علما اشاره مي شود:

1. امام ابو عبد الله محمد بن ادريس شافعي گفته است:

((زيارت قبور اشكالي ندارد. البته نبايد نزد آنها هذيان گفته شود؛ مانند نفرين ها و آه و ناله هاي ناروا. پس اگر قبرها را زيارت كردي. براي ميت طلب مغفرت كن و خود را رقيق القلب نما)).(1)

2. حاكم مي گويد:

((تلاش فراواني را براي جمع آوري و به دست آوردن روايات ((زيارات قبور)) نمودم تا باعث تشويق به زيارت شود و كسي كه معاند است و زيارت قبور را قبول ندارد، بداند كه زيارت قبور از سنت هاي پيامبر خدا صلي الله عليه و آله است)).(2)

3. ابن نجيم مصري گفته است:

((زيارت قبور و دعا براي اموات، اشكالي ندارد و در]كتاب[مجتبي تصريح كرده كه مستحب است و گفته شده كه براي زنان حرام است؛ لكن أصح آن است كه جواز آن براي مرد و زن ثابت شده است)).(3)

4. منصور علي ناصف مي گويد:

((جمهور علماي مسلمين، امر به زيارت قبور را استحبابي مي دانند)).(4)

5. ابن حزم گفته است:

((زيارت قبور مستحب است و بر يك مرتبه آن تأكيد شده و شايسته نيست كه ترك شود. روايات صحيحي از عايشه و ابن عمر و ديگران بر زيارت قبور نقل شده و از عمر روايتي رسيده كه زيارت قبور را منع كرده است؛ ولي صحيح نمي باشد.(5)

6. ابو حامد غزالي مي نويسد:

((زيارت قبور، في الجمله جهت يادآوري مرگ و آخرت و عبرت، مستحب است. زيارت قبور صالحان، به خاطر تبرك و عبرت مستحب مي باشد)).(6)

7. عبد الرحمان الجزيري گفته است:

((زيارت قبور جهت موعظه گرفتن و ياد آخرت، مستحب است و اين استحباب نزد حنفي ها و مالكي ها در روز جمعه و يك روز قبل و بعد از آن، تأكيد بيشتري دارد. حنبلي ها و شافعي ها، مخالف اين تأكيد مي باشند. حنبلي ها گفته اند: استحباب زيارت قبور هيچ روزي تأكيد نشده است. شافعي ها گويند: استحباب از عصر روز پنجشنبه تا طلوع آفتاب شنبه تأكيد شده و در ميان مالكي ها، همين قول را برخي راجح و برتر مي دانند)).(7)

8. در مكتب اهل بيت عليهم السلام استحباب زيارت قبور در روز دوشنبه و صبح شنبه به جهت تأسي و پيروي از پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله تأكيد شده است(8). روايت شده كه پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله با جمع زيادي از اصحابش هر شام پنجشنبه به بقيع مي رفتند و مي گفتند:

((السلام عليكم يا اهل الديار (سه مرتبه) و رحمكم الله (سه مرتبه))).(9)

---

1. . معرفة السنن و الاثار، شافعي: ج 3، ص 203 (باب زيارت قبور).

2. . مستدرك حاكم: ج 1، ص 377.

3. . البحر الرائق في شرح كنز الدقايق: ج 2، ص 195.

4. . التاج الجامع للاصول: ج 1، ص381.

5. . المحلّي: ج 5، ص 160، مسألة 600.

6. . احياء العلوم: ج 4، ص 521.

7. . الفقه علي المذاهب الاربعة: ج1، ص 540.

8. . جواهر الكلام: ج 4، ص 321.

9. . وسائل الشيعة: ج3، ص 223، ح 3467.

___ كيفيت زيارت شيعيان

آيا زيارت قبور و حرم امامان از سوي شيعيان و پيروان اهل بيت؛ عليهم السلام مستلزمِ مطالبِ خلاف شرع است؟! يا آن كه معاذ الله روح شرك را مي پروراند؛ هم چنان كه برخي از ناصبي ها و دشمنان اهل بيت پيغمبر عليهم السلام آن را رواج مي دهند. حق آن است كه، در زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله و ائمه اهل بيت عليهم السلام و قبور اوليا، صالحان و شهيدان و... آنچه كه روشن و مشهود است، عبارت است از تقويت روح خدا پرستي، ايمان، فدا كاري، جهاد في سبيل الله، ظلم ستيزي، يار مظلوم بودن و نيز ياد مرگ و آخرت و عبرت گرفتن. در اين جا يك نمونه از زيارتي كه شيعيان كنار اين قبور مطهره مي خوانند، ذكر مي شود. زيارتي كه علاّمه مجلسي سند و متن آن را از همه بهتر معرفي كرده و محدث قمي (صاحب مفاتيح الجنان)، اعتبار آن را عالي دانسته است. اين زيارت را، جابر از حضرت امام محمد باقر عليه السلام روايت كرده كه حضرت علي بن الحسين امام سجاد عليه السلام آن را در كنار قبر جدّش امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام مي خوانده است. ترجمه متن زيارت چنين است:

درود بر تو اي امين خدا در زمين و حجت او بر بندگانش؛ درود بر تو اي امير مؤمنان! گواهي مي دهم، به اين كه تو در راه خدا آنگونه كه مي بايست جهاد كردي و به كتابش عمل نمودي و از سنت هاي پيامبرش كه درود و رحمت خداوند بر او و آل او باد پيروي كردي تا اين كه خداوند تو را به نزد خودش دعوت كرد و جانت را به اختيار خودش قبض نمود و دشمنانت را به حجت و دليل، با حجت هاي رساي ديگري كه با تو بود، بر تمامي خلق خداوند ملزم كرد. خدايا! خاطر و نفس مرا به تقديرت مطمئن و آرام قرار ده و خشنود به قضايت، آرزومند به ذكر و دعايت، دوستدار برگزيدگان اوليايت، محبوب در زمين و آسمانت، بردبار بر نزول بلايت، شكر گزار در مقابل نعمت هاي خوبت، ياد آور نعمت هاي شايانت، مشتاق به شادي ملاقات امر تو، توشه بردار تقوا براي روز جزايت، پيروي كننده به روش هاي

اولیایت، جدا از اخلاق دشمنانت، مشغول از دنیا به حمد و ستایشت. خدایا! دل هاي شیفتگان به سویت شوریده و به تو پناه مي برند. راه هاي مشتاقان به سویت آشکار و ظاهر و پرچم هاي کاروان آستانت پدیدار شده است. دل هاي عارفان از تو لرزان اند. آوازهاي دعا گویان به درگاهت بلند است. درهاي اجابت به آنها باز است و دعاي هر که با تو مناجات کند، مستجاب است و توبه هر که به سوي تو باز گردد، پذیرفته است. دیده هر که از خوف تو گریه کند مورد ترحم است. دادرسي براي آنان که از تو دادرسي جویند، موجود است. به کمك و یاري کسي که از تو یاري جوید، سخاوتمندانه مي پردازي، وعده هایت براي بندگانت وفا شود. از لغزشهاي هر که گذشت خواهد، گذشت مي شود. کارهاي عمل کنندگان نزد تو محفوظ است. روزي خلایق از درگاه تو نازل مي شود و بهره هاي زیادي به انعام مي رسد و گناهان آمرزش جویان آمرزیده است و حاجت هاي خلقت نزد تو برآورده است و جایزه درخواست کنندگان نزد تو مهیا است. بهره هاي پیاپي زیاد است. سفره هاي خورندگان اماده است. حوض ها و چشمه ها بهر شیفتگان لبریز است، خدایا! دعایم را مستجاب و ستایشم را بپذیر و میان من و دوستانت جمع کن. به حق محمد، علي، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام ؛ زیرا تویي ولي نعمت ها و نهایت آروزها و منتهاي امید من هنگام مردن و جایگاهم.

در کتاب ((کامل الزیارات)) این فقرات نیز مسطور است:

تو خدا و آقا و مولاي مني، بیامرز دوستان مارا و دشمنان را از ما دفع کن و آنها را از ما باز دار و سخن حق را آشکار نما و آن را برتر و والا قرار ده و سخن باطل را از میان ببر و آن را پست و خوار بگردان زیرا تو بر هر چیز توانایي.

همچنان که مشاهده مي شود، از سر تا سر این زیارت، توحید و ربوبیت پروردگار متعال، و دعا و تضرع و ابتهال إلي الله، و استغفار از گناه به درگاه خداوند و حاجات خواستن از رب متعال، و رحمت گسترده و عام الهي و استجابت دعا خواستن به حق پنج نور پاك، و دعا براي تحقق کلمه حق و نابودي باطل و... استفاده مي شود که کاملاً روح شرك و امور ناروا را سرکوب مي کند و روح ایمان، خدا پرستي، تقوا و تضرع إلي الله را مي پروراند.

یکم : معنای زیارت:

((زیارت)) در لغت، به معناي قصد و ملاقات است. ((زَارَهُ، زیارةً وزوراً))؛ قَصد زیارت او را کرد بدین جهت شخص ملاقات کننده را ((زائر)) مي گویند.(1) از نظر تفاهم عرفي، یك نوع احترام و تجلیل از طرف زائر نسبت به طرف زیارت شونده استفاده مي شود؛ مثلاً کسي که به زیارت زیارتگاهي مي رود، آن را تجلیل و تکریم کرده و با آن اظهار انس مي نماید. (2)

---

1. . المصباح المنیر: ص 260 (ماده زور).

2. . همان

دوم : دليل قرآنى بر زيارت قبور

خداوند متعال به پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله دستور داده كه بر جنازه منافق نماز نخواند و بر سر قبر او نايستد: ((بر هيچ يك از آنان كه مرده اند، أبداً نماز نخوان و بر قبر آنان نايست، آنان به خدا و رسول او كفر ورزيدند و در حالي كه فاسق بودند، مردند)).(1)

ممكن است سؤال شود كه معناي اين قسمت از آيه شريفه كه مي فرمايد: {وَلاَ تَقُمْ عَلَيَ قَبْرِهِ}، چيست؟ آيا مراد، ايستادن بر سر قبر، فقط در موقع دفن است؟ يا منظور ايستادن، در موقع دفن و غير دفن است؟ بايد گفت: اين آيه از دو جمله تشكيل شده است: جمله اول: {وَلاَ تُصَلِّ عَلَي أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا}. جمله دوم: {وَلاَ تَقُمْ عَلَيَ قَبْرِهِ} جمله دوم بر جمله اول عطف شده است. بنابر اين احكام جمله اول بر جمله دوم هم جاري است. و از آن جايي كه جمله اول داراي قيد ((ابداً)) است، لازمه اش اين است كه جمله اي كه به آن عطف مي شود نيز قيد ((ابديت)) بر آن ثابت باشد. در نتيجه معناي آن چنين مي شود: ((بر مرده هاي منافقان ابداً نماز نخوان و ابداً بر سر قبرهاي آنها نرو و نايست)). بنابر اين به حكم عطف و معطوف، ((ابديت)) در جمله دوم هم مقدّر است. از اين رو قيام و ايستادن بر قبر منافقان، اختصاص به وقت دفن ندارد؛ بلكه يك حكم ابدي و هميشگي است. پس بر اساس اين آيه شريفه، پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله از طرف خداوند متعال از هرگونه استغفار، دعا، ترحم و نماز بر منافق و نيز از هر گونه ايستادن كنار قبر منافق، چه در وقت دفن و يا در غير زمان دفن ممنوع شده است. در ضمن از آيه شريفه استفاده مي شود كه نماز و ايستادن بر قبر مؤمن، جايز و مشروع است. بنابر اين قبور مؤمنان و دعا و قرائت قرآن بر ارواح، آنان گر چه صدها سال از فوت آنها گذشته باشد جايز است. (2)

---

1. . توبه: (9)، 48.

2. . ر ك ، زيارت قبور در كتاب وسنّت، آيت الله سبحاني: ص 127.

سوم : دليل روايى بر مشروعيت زيارت قبور

رواياتي كه ترغيب و تشويق بر زيارت قبرها و دعا براي اهل قبور و تقرب به خدا جستن از راه زيارت آنان مي كند، دو دسته است:

دسته ى اول:

1. ابو هريره از پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله روايت مي كند:

((هر شخصي كه بر سر قبر يكي از دوستان و نزديكان خود برود و بر او سلام كند و كنار قبر او بنشيند، سلام او را جواب مي دهد و با او انس مي گيرد؛ تا وقتي كه از نزد او برود)).(1)

2. ابو هريره از رسول خدا صلي الله عليه و آله روايت مي كند:

((اگر شخصي از كنار قبر كسي كه در دنيا او را مي شناخته، عبور كند و به او سلام دهد، صاحب قبر او را مي شناسد و جواب سلام او را مي دهد))(2).

3. ابو هريره از رسول خدا صلي الله عليه و آله روايت مي كند:

((پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله به قبرستان رفت و فرمود: سلام به شما مؤمنان، و به خواست خدا ما به شما ملحق مي شويم))(3).

4. بريده مي گويد:

((وقتي كه مسلمانان مي خواستند به قبرستان بروند، پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله به آنان ياد مي داد كه اين چنين بگويند: السلام عليكم اهل الديار... ما هم به خواست خدا به شما ملحق مي شويم و از خداوند مي خواهيم كه به ما و شما عافيت بدهد)).(4)

5. عايشه از پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله روايت مي كند كه فرمودند:

((پروردگارم به من فرمان داده كه به بقيع بروم و براي اهل بقيع طلب مغفرت نمايم)). به آن حضرت گفتم: چه بگويم اي رسول خدا صلي الله عليه و آله ؟ فرمود: ((بگو السلام علي اهل الديار... خداوند گذشتگان، و

آيندگان ما را مورد رحمت قرار دهد)).(5)

---

1. . بيان: ص250 (شيخ ديلمي آن را روايت كرده است); كنزالعمال: ج13،ص656، ح 42601.

2. . تهذيب تاريخ دمشق، ابن عساكر: ج 7، ص 292 (چاپ بيروت).

3. . سنن كبري، بيهقي: ج 4، ص 31 ح 7207.

4. . مسلم در صحيحش آن را نقل كرده است: ج 3، ص 65 كتاب جنايز با اختلاف مختصري; سنن ابن ماجه: 31، ص 78 كتاب جنايز: باب 36، ح 1547; المنتقي من اخبار المصطفي: ج 2، ص 116.

5. . صحيح مسلم: ج 3، ص 64 (ما يُقال عند دخول القبر); سنن نسايي: ج 3، ص 76.

- دسته ی دوم :

رواياتي كه تشويق به زيارت قبور مي كند، بعد از آن كه از زيارت آنها جلوگيري شده بود. علاوه بر آن كه هدف از سنت نمودن زيارت قبور را ياد آور مي شود.

1. از پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله روايت شده است:

((من قبلاً شما را از زيارت قبور منع كرده بودم؛ اما الآن به شما مي گويم اهل قبور را زيارت كنيد؛ زيرا موجب يادِ آخرت و دل كندن از دنيا مي شود)). (1)

2. پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله ، قبر مادرش را زيارت كرد و گريه نمود و ديگران را هم به گريه انداخت. سپس فرمود:

((از خداوند اجازه خواستم كه قبر مادرم را زيارت كنم، او به من اجازه داد. شما نيز قبرها را زيارت كنيد؛ زيرا شما را به ياد مرگ مي اندازد))(2).

3. از عايشه روايت شده كه رسول خدا صلي الله عليه و آله زيارت قبور را رخصت داده است.(3)

از اين گونه روايات استفاده مي شود كه پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله به طور موقت زيارت قبور را منع كرده بود؛ سپس منع را برمي دارد و تشويق به زيارت قبرها مي كند و آن را مطلوب قرار مي دهد.

گفتني است كه علت منع موقت زيارت قبور، به مرده ها برمي گردد؛ زيرا آنان مشرك و بت پرست بودند و اسلام هر گونه ارتباط با شرك را قطع كرده بود. از اين رو پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله از زيارت اين گونه اموات جلوگيري كرد. همچنان كه بعيد نيست، علت منع موقت، اين بوده كه مسلمانان، تازه به اسلام گرويده بودند و سر قبرهاي مرده هايشان گريه و زاري و نوحه سرايي باطل مي كردند كه آنان را از منطق اسلام خارج مي كرد ؛ ولي وقتي كه اسلام در دل هاي مردم ريشه دواند و آنان با تعاليم آن آشنايي و انس پيدا كردند، پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله منع قبلي را برداشت و زيارت قبور را كه داراي خيرات و منافع، مي باشد سنت قرار داد.(4)

---

1. . سنن ابن ماجه: ج 1، ص 114 (ابواب جنايز).

2. . صحيح مسلم: ج 3، ص 65 (باب اجازه پيامبر اكرم از خداوند براي زيارت قبر مادرش).

3. . سنن ابي داوود: ج 2 (كتاب جنايز، باب زيارت قبور)، ح 1955.

4. . ر. ك: زيارت قبور در كتاب و سنّت: ص 128.

چهارم : دليل تاريخی

كسي كه در سيره مسلمين صدر اسلام در زمان حيات پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و بعد از رحلت آن حضرت جست و جو كند، مي بيند كه زيارت قبور از مسلّمات سيره آنان بوده است.

- نمونه ی تاریخی

1. روزي مروان ديد كه مردي صورت خود را بر روي قبر پيغمبر صلي الله عليه و آله گذاشته است. گردن او را گرفت و به او گفت: مي داني چه مي كني؟ آن مرد گفت: آري مي دانم چه مي كنم. وقتي آن مرد روي خود را برگرداند، مروان ديد كه او ابو ايوب انصاري است. ابو ايوب گفت: نزد رسول خدا صلي الله عليه و آله آمده ام، نه سنگ. از پيغمبر خدا صلي الله عليه و آله شنيدم كه فرمود: ((اگر توليت و حكومت دين به دست اهلش افتاد، براي دين گريه نكنيد؛ ولي اگر نا اهلان متولي آن شدند بر آن گريه نماييد)).(1)

2. فاطمه عليها السلام بر سر قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله آمد و مشتي از خاك قبر را برداشت و روي چشمش گذاشت و گريه كرد.(2)

3. يك فرد اعرابي بر سر قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله آمد و مقداري از خاك قبر آن حضرت را بر سرش پاشيد و به آن حضرت خطاب كرد:

((از چيزهايي كه بر تو نازل شد، آيه {وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ.} بود، پس اي رسول خدا! من به خودم ظلم كردم. نزد تو آمده ام كه برايم طلب مغفرت نمايي. از قبر ندايي برآمد كه: بخشيده شدي. اين جريان در حضور علي بن ابي طالب، امير المؤمنين عليه السلام اتفاق افتاد.(3)

4. بلال بر سر قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله آمد و صورتش را روي خاك قبر گذاشت و گريه كرد. در اين هنگام حسن و حسين رسيدند، آنها را به سينه چسبانيد و بوسيد.(4)

5. عايشه روزي از قبرستان بر مي گشت، راوي مي گويد به او گفتم: اي ام المؤمنين، از كجا مي آيي؟ گفت: از سرقبر برادرم عبد الرحمان مي آيم. گفتم: مگر پيغمبر خدا صلي الله عليه و آله زيارت قبور را نهي نكرده بود؟ گفت: چرا، قبلاً از زيارت قبور منع كرده بود ؛ ولي بعداً به آن امر نمود.(5)

6. ابن تيميه براي مشروعيت زيارت قبر ابو بكر و عمر، به زيارت عبد الله بن عمر از قبر آن دو استدلال مي كند. ابن عمر سر قبر آنها مي گفته است:

((سلام بر ابي بكر صديق و عمر بن خطاب)) سلامي همانند سلام بر ساير قبور. ابن عمر وقتي كه از سفر برمي گشت به رسول خدا صلي الله عليه و آله ، ابو بكر و عمر سلام مي داد و مي گفت: ((درود و سلام بر رسول خدا صلي الله عليه و آله ؛ درود و سلام بر تو اي ابو بكر، درود و سلام بر تو اي پدر)). سپس روانه منزل مي گشت. بدين جهت علمايي كه زيارت قبور را جايز دانسته اند، به خاطر اقتدا به اصحاب رسول خدا صلي الله عليه و آله بوده است.(6)

بنابراين زيارت قبور به طور كلي، از نظر قرآن، احاديث شريف و سيره مسلمين جايز ومشروع است.

---

1. . مستدرك حاكم: ج 4، ص 1361.

2. . كشف الارتياب: ص 436 (نقل از تحفه ابن عساكر).

3. . وفاء الوفاء، سمهودي: ج 2، ص 1361.

4. .اسد الغابة: ج 1، ص 208.

5. .سنن كبري، بيهقي: ج 4، ص 131 (باب 170، ح 7207).

6. . تنبيه زائر المدينة: ص 27 (به نقل از الجواب الباهر في زيارة المقابر ابن تيميه، ص 606).

پنجم : توسل در كنار قبر رسول الله -صلى الله عليه واله -

ممكن است جهت مشروعيت زيارت قبور، به مطلب ديگري استدلال نمود و آن اين كه توسّل در كنار قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله جايز و جزءِ عباداتي است كه شخص مسلمان، مي تواند به وسيله آن به خداوند تقرب پيدا كند.

قرآن كريم در چندين مورد بر آن تأكيد كرده است؛ از جمله در سوره يوسف مي فرمايد:

{قَالُواْ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا...}؛(1)

گفتند: ((اي پدرمان، براي آمرزش گناهان ما طلب مغفرت نما)).

فرزندان يعقوب، بر اساس اين آيه، از پدرشان طلب مغفرت مي كنند. طبيعي است كه قدرت و اراده خداوند را ناديده نگرفته اند؛ بلكه چون پدرشان نزد خداوند آبرو داشته، از اين رو او را واسطه مغفرت قرار داده اند. همين مطلب از جواب يعقوب فهميده مي شود:

{سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيَ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ}.(2)

احاديث شريف هم، بر مشروعيت توسّل دلالت مي كنند. انس بن مالك گفته است:

((وقتي كه فاطمه بنت اسد فوت كرد، رسول خدا صلي الله عليه و آله وارد شد و كنار سر او نشست. سپس فرمود: خداوند ترا كه پس از مرگ مادرم در حق من مادري كردي بيامرزد)).

سپس رسول خدا صلي الله عليه و آله اسامه بن زيد، ابو ايوب انصاري، عمر بن خطاب و برده سياهي را براي كندن قبر او صدا كرد. آنان قبر را آماده كردند، وقتي به لَحد رسيدند، آن حضرت وارد قبر شد و لَحد را كند و خاكش را بيرون ريخت سپس در لحد خوابيد و فرمود:

((اي خدايي كه زنده مي كني و مي ميراني و زنده اي و نمي ميري. مادرم فاطمه بنت اسد رابيامرز و قبر او را وسعت بخش. به حق پيغمبرت و پيغمبراني كه قبل از من بوده اند)).(3)

سيره مسلمين در توسل نيز بعد از رحلت رسول خدا صلي الله عليه و آله جاري بوده است ؛ از اين رو مي بينيم كه ابو بكر بعد از رحلت پيغمبر صلي الله عليه و آله گفت:

((اي محمد! ما را نزد پروردگارت ياد كن و ما را در خاطر داشته

باش)).(4)

در صحيح بخاري روايت شده است:

((وقتي كه مردم دچار قحطي مي شدند، عمر بن خطاب به وسيله عباس بن عبد المطلب، از خدا طلب باران مي كرد و مي گفت: خدايا! ما به پيغمبران متوسّل مي شديم و بر ما باران مي فرستادي، حال به عموي پيغمبرمان توسل مي جوييم، پس بر ما باران بفرست)). در پايان روايت بخاري آمده است كه باران بر مردم نازل مي شد.(5)

منصور عباسي از مالك بن انس درباره كيفيت زيارت رسول خدا صلي الله عليه و آله و توسّل به ايشان پرسيد كه:

اي ابو عبد الله: رو به قبله باشم و دعا كنم، يا رو به رسول الله كنم؟ مالك جواب داد: چرا رويت را از ايشان بگرداني، در حالي كه پيغمبر وسيله تو و وسيله مغفرت پدرت آدم تا روز قيامت است. پس رو به آن حضرت كن و از ايشان طلب شفاعت نما، كه خداوند از تو قبول مي كند. خداوند فرموده است: {وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ...}(6)؛ ((اگر اينها به خود ظلم كردند و به تو پناهنده شدند...)).

بنابر اين توسّل از عبادت هاي مشروع مي باشد و مسلمانان به رسول خدا صلي الله عليه و آله ، پيغمبران و صالحان، توسل مي جسته اند. و زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله هم مستلزم توسل به ايشان است و سَلَف صالح، ضمن توسل به آن حضرت، قبر ايشان را زيارت مي كرده اند. اين نيز

يكي از ادله مشروعيت زيارت قبور مي باشد.

---

1. . يوسف: (12)، 97.

2. . يوسف: (12)، 98.

3. . كشف الارتياب: ص 312، به نقل از وفاء الوفاء والدرر السنيه: ص 8.

4. . الدرر السنيه در رد وهابيت: ص 36.

5. . صحيح بخاري (باب نماز استسقاء): ج 2، ص 32، ح947.

6. . به نقل از وفاء الوفاء: ج 2، ص 1376.

- ششم: زيارت قبر رسو الله - صلى الله عليه و اله -

علاوه بر اجماع مسلمين از زمان پيغمبر تا زمان ما آيات قرآن كريم و روايات شريف، بر زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله و طلب مسألت نزد ايشان، دلالت مي كند. ما سراغ نداريم كه غير از فرقه وهابيان، احدي از مسلمين، منكر مشروعيت زيارت قبر پيغمبر خدا صلي الله عليه و آله باشد. قرآن مي فرمايد:

{وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا}(1).

خداوند دراين جا به گناه كاران دستور مي دهد كه نزد رسول خدا بروند و از او بخواهند كه براي آنان طلب مغفرت نمايد ؛ زيرا كه دعاي پيغمبر صلي الله عليه و آله درباره آنان مستجاب مي شود.

گفتني است كه اين آيه به زمان زنده بودن پيغمبر صلي الله عليه و آله اختصاص ندارد؛ بلكه داراي يك حكم كلي است كه شامل زمان حيات و بعد از رحلت آن حضرت نيز مي شود؛ زيرا از نظر قرآن، پيغمبران و اوليا در عالم برزخ مي بينند و مي شنوند. علاوه بر آن، روايات زيادي مي گويد كه فرشتگان، سلام مردم را به رسول خدا صلي الله عليه و آله مي رسانند.(2)

در صحاح آمده است: رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود:

((هيچ كس نيست كه بر من سلام كند، مگر آن كه خداوند روحم را به من برمي گرداند، تا جواب سلام او را بدهم)).(3)

و نيز از رسول خدا صلي الله عليه و آله نقل شده كه فرمود:

((بر من درود و سلام بفرستيد؛ زيرا كه درود و سلام شما هر جا

كه باشيد به من مي رسد)).(4)

ابو سعيد سمعاني از امير مؤمنان علي بن ابي طالب عليه السلام نقل مي كند:

يك اعرابي سه روز بعد از دفن رسول خدا صلي الله عليه و آله وارد مدينه شد و خود را روي قبر شريف آن حضرت انداخت و از خاك آن بر سرش ريخت و گفت: اي رسول!تو گفتي و ما حرف هاي شما را شنيديم. تو شنيدي از خدا آنچه را كه ما از شما شنيديم. از جمله آنچه كه بر شما نازل شد، آيه: {وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ...} بود. من به خودم ستم كردم و حال پيش تو آمده ام، تا نزد پروردگارم برايم طلب مغفرت كني.(5)

از اين رو جايز است كه انسان در كنار قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله بايستد و از آن حضرت بخواهد كه برايش طلب آمرزش نمايد. پس زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله مشروع و جايز است. زيرا حقيقت زيارت، همان حضور زائر، نزد زيارت شونده است. اما احاديثي كه در صحاح درباره زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله وارد شده فراوان است كه به برخي از آنها اشاره مي شود:

1. عبد الله بن عمر از رسول خدا صلي الله عليه و آله روايت مي كند:

((هر كس قبرم را زيارت كند، شفاعتم براي او واجب مي شود)).(6)

2. رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود:

((هر كس فقط به خاطر زيارت من بيايد، سزاوار است كه روز قيامت شفيع او باشم)).(7)

3. از پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله روايت شده است:

((هر كس حج به جاي آورد و مرا زيارت نكند، به من جفا نموده است)).(8)

4. و نيز از آن حضرت روايت شده است:

((هر كس حج به جاي آورد و سپس قبرم را زيارت نمايد، مانند اين است كه در زمان زنده بودنم مرا زيارت كرده است)).(9)

---

1. . نساء: (4)، 64.

2. . ر ك: زيارت قبور در كتاب و سنت: ص 129 به بعد.

3. . سنن ابي داود: ج 1، ص 470 ـ 471 (كتاب حج باب زيارت قبور).

4. . التاج الجامع للاصول في احاديث الرسول: ج 2، ص189.

5. . الجوهر المنظم ابن حجر، و سمهودي هم آنرا در وفاء الوفاء ذكر كرده است: ج 2،ص 612.

6. . الفقه علي المذاهب الاربعة: ج 1، ص 590 (علماي مذاهب چهارگانه بر طبق اين حديث فتوا داده اند)، ر ك: وفاء الوفاء: ج 4، ص 1336.

7. . ر ك: شفاء السقام، تقي الدين سبكي: ج 3، ص 11 (درباره سند اين حديث بحث كرده است); هم چنين ر. ك: وفاء الوفاء، سمهودي، ج 4، ص 1340.

8. . وفاء الوفاء: ج 4، ص 1342.

9. . همان: ص 1340.

- نظر وهابيان درباره ى زيارت قبر رسول الله -صلى الله على واله-

ابن تيميه و پيروان او همچون محمد بن عبد الوهاب(1)، زيارت قبر آن حضرت را تحريم كرده و براي اثبات اين نظر افراطي خود، به روايت ابو هريره استدلال كرده اند.

ابوهريره نقل مي كند كه پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله فرمود:

((بستن وسايل سفر جايز نيست، مگر براي سه مسجد: مسجد من و مسجد الحرام و مسجد الاقصي)). (2)

ابن تيميه ذيل اين حديث مي گويد:

((همه ائمه حديث بر صحت اين حديث اتفاق دارند و به آن عمل مي كنند؛ بنابراين اگر كسي نذر كند كه در غير آن سه مسجد، در مسجد يا زيارتگاه ديگري نماز بخواند، يا در آن اعتكاف نمايد ؛ وفاي به نذر بر او واجب نيست و اين حكم مورد اجماع ائمه حديث و فتوا است)).(3)

اين حديث در صحاح روايت شده است و ما درصدد نقد سند حديث نيستيم؛ بلكه مي خواهيم مفاد و دلالت آن را مورد بررسي قرار بدهيم: فرض آن است كه نص حديث چنين است: ((لا تشدّ الرحال إلاّ إلي ثلاثة مساجد...))

مسلّم است كه ((إلا)) حرف استثنا است و ناچار بايد مستثني منه داشته باشد و از آن جايي كه چنين چيزي در ظاهر كلام نيست، بايد آن را مقدر دانست. ممكن است تقدير به يكي از دو صورت باشد:

1.لا تشدَّ الرِّحال إلي مسجد من المساجد إلاّ ثلاثة مساجد؛

2. لا تشد الرحال إلي مكان من الأمكنة إلاّ ثلاثة مساجد.

اگر بگوييم كه: ((إلي مسجد من المساجد)) در تقدير است، معناي آن چنين مي شود: نبايد به مسجدي از مساجد، ((شدّ رحال)) شود مگر به سه مسجد ياد شده. در اين صورت عدم جواز ((شدّ رحال)) شامل غير مسجد نمي شود. بنابراين زيارت پيامبران و امامان و صلحا استثنا نمي شود و ((شدّ رحال)) براي اين گونه جاها ممنوع نيست، بلكه مشروع و جايز است؛ زيرا موضوع بحث در صورت تقدير اول ((مسافرت)) به مساجد، به استثناي سه مسجد ياد شده است؛ اما مسافرت به مشاهد مشرّفه و زيارتگاه ها، مشمول نهي حديث نيست و ربطي به موضوع حديث ندارد. اما اگر تقدير دوم را اختيار كرديم، لازمه آن، اين است كه كليه سفرهاي معنوي غير از سفر به مناطق و مساجد سه گانه حرام است؛ خواه براي زيارت مسجد باشد يا براي زيارت جاهاي ديگر.

لكن شواهد و قرائن تقدير اول را تأييد مي كند؛ زيرا:

اولاً: مستثني در اين حديث، مساجد سه گانه مي باشد و روشن است كه استثناي متصل است. بنابر اين بايد مستثني منه از قبيل مستثني باشد؛ يعني ((إلي مسجد من المساجد)) و نه مكان.

ثانياً: اگر هدف از حديث، جلوگيري از كليه مسافرت هاي معنوي

باشد، انحصار و محدود نمودن آن صحيح نيست؛ زيرا انسان در موسم حج به عرفات و مشعر الحرام و مني مسافرت مي كند و اگر سفرهاي معنوي به غير از مساجد سه گانه حرام باشد، پس بر چه اساس به مني و عرفات مسافرت مي شود؟ آيا اين مطلب گواه اين نيست كه اين حديث به دروغ به پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله نسبت داده شده است؟!!

ثالثاً: در قرآن كريم و احاديث شريف، به برخي از سفرهاي ديني،

ترغيب و تشويق شده است؛ مانند مسافرت براي((جهاد في سبيل الله))، ((طلب دانش))، ((كسب معرفت))، ((صله رحم))،((زيارت پدر و مادر)) و... قرآن مي فرمايد:

{وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةً فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُواْ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ}(4)

شايسته نيست مومنان همگي كوچ كنند، چرا از هر گروهي از آنان، طايفه اي كوچ نمي كند تا در دين آگاهي يابند و به هنگام بازگشت به سوي قوم خود آنها را هم بترسانند؟ شايد از مخالفت فرمان پروردگار بترسند و خودداري كنند.

به همين دليل محققان و دانشمندان بزرگ، حديث ياد شده را همانند ما تفسير كرده اند. غزالي در كتاب احياء العلوم مي گويد: ((اين كه براي عبادت سفر كند، خواه براي حج يا جهاد يا زيارت قبور پيغمبران، اصحاب، تابعان، عالمان و اوليا، جايز است و هر كسي كه به ديدار او در حياتش تبرك مي شود، در وفاتش هم با زيارت او، متبرك مي شود و مسافرت براي چنين منظوري جايز است و ((وَ لاَ تشدَّ الرِّحال الّا إلي ثلاثةَ مساجدَ...)) مانع اين سفرها نيست؛ زيرا اين روايت در باره ي مساجد است و مساجد ـ بجز مساجد سه گانه ـ همه از نظر شأن ومنزلت يكسان مي باشند وگرنه هيچ فرقي در اصل فضيلت، بين زيارت قبور پيامبران، اوليا و عالمان نمي باشد؛ اگر چه بر حسب درجات و تقرب به خداوند داراي تفاوت زيادي هستند)).(5)

بنابر اين آنچه كه در اين حديث منع شده، مسافرت به غير مساجد سه گانه، از مساجد ديگر است و اين مطلب ربطي به سفر به مساجد يا زيارتگاه ها، به قصد زيارت يا اهداف معنوي ديگر ندارد. شاهد اين مطلب، گفتار صاحبان صحاح و سنن درباره سيره پيغمبر اسلام صلي الله عليه و آله است كه سواره و پياده به مسجد قبا مي رفت و درآن جا دو ركعت نماز مي خواند(6). ما حق داريم سؤال كنيم، آياسفر به خاطر اقامه نماز در يكي از خانه هاي خدا، حرام و ممنوع است؟! اگر نماز در مسجد مستحب است، مقدمه مستحب هم مستحب خواهد بود.(7)

وهابيان با توجه به اين مطالب، زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله را به طور مطلق تحريم نكرده اند؛ بلكه مي گويند: اصل زيارت مشروع و جايز است؛ ولي مسافرت اگر به قصد زيارت قبر پيغمبر صلي الله عليه و آله باشد، حرام است.

محمد بن عبد الوهاب مي نويسد:

((اصل زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله مشروع است؛ ولي مسافرت جايز نيست، مگر براي زيارت مسجد و نماز در آن))(8).

ابن تيميه مي گويد:

((آمدن نزد قبور پيغمبران و صالحان، به خاطر نماز و دعا مستحب

نيست؛ بلكه احاديث صحيح آن را منع كرده و خيلي از علما آن را ذكر نموده اند؛ اما زيارت قبور براي دعا و طلب مغفرت براي آنها چنان كه پيغمبر صلي الله عليه و آله براي اهل بقيع انجام مي داد، جايز است)).(9)

ابن تيميه زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله را از جهت نيت و قصد مسافر، سه قسم دانسته است:

1. به قصد نماز به مسجد النبي صلي الله عليه و آله مي رود؛ اين سفر به نص و اجماع مشروع است.

2. به قصد مسجد النبي و قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله مي رود؛ كه در اين جا مسافر قصد انجام عمل مستحبي كرده است و اجماعاً مشروع مي باشد.

3. فقط قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله را قصد مي كند، كه در اين مورد اختلاف است. مالك و بيشتر فقها، اين سفر را حرام مي دانند و بسياري از آنان قصر نماز را در اين سفر جايز نمي دانند ؛ ولي ديگران آن را سفر جايز مي دانند؛ اگر چه مستحب نيست و سفر به آن، به خاطر نذر، واجب نمي باشد.(10)

حافظ ذهبي، جواب ابن تيميه را داده و گفتار او را رد كرده است. وي مي گويد:

((كسي كه كنار حجره مقدس نبوي با حالت سرافكنده و خشوع بايستد و بر پيغمبرش درود بفرستد، پس خوشا به حال او كه بهترين زيارت را انجام داده و محبت و تواضعش را به حد كمال رسانده است. و درحقيقت عبادتي بيش از عبادت كسي كه در شهر خود يا در نمازش، به پيامبر درود مي فرستد انجام داده است؛ زيرا زائر هم اجر زيارت دارد و هم اجر صلوات بر پيغمبر صلي الله عليه و آله و كسي كه در ساير شهرها بر پيغمبر صلي الله عليه و آله سلام مي دهد، فقط اجر صلوات و سلام را دارد. هر كس يك درود بر او بفرستد، خداوند ده درود بر او مي فرستد. و اگر كسي آن حضرت را زيارت كند و آداب زيارت را رعايت نكند، يا بر قبر ايشان سجده كند، يا كارهاي خلاف شرع انجام دهد، هم كار خوب كرده و هم بد، و بايد با رفق و مدارا او را توجيه و راهنمايي نمود. و البته خداوند آمرزنده و مهربان است ؛ بنابر اين زيارت قبر آن حضرت از بهترين راه ها براي نزديك شدن به خداوند است و مسافرت براي زيارت قبور پيامبران و اوليا را بر فرض كه جايز ندانيم؛ ولي مسافرت براي قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله لازمه اش مسافرت براي زيارت مسجد پيغمبر صلي الله عليه و آله است و اين بدون هيچ گونه اختلافي جايز و مشروع است؛ زيرا بايد به مسجد النبي صلي الله عليه و آله داخل شد تا به حجره شريفه و قبر آن حضرت رسيد. پس در ابتدا [نماز] تحيت مسجد را مي خواند؛ سپس به صاحب مسجد سلام و تحيت مي گويد. خداوند قسمت همه ما و شما را كند.(11)

شيخ شعيب در ذيل سخن ذهبي نوشته است:

((ذهبي در اين جا، استادش ابن تيميه را كه ((شد رحال)) را براي زيارت قبر پيغمبر صلي الله عليه و آله جايز نمي داند و اين كه حاجي بايد قصد زيارت مسجد النبي كند رد كرده و به آن جواب داده است(12).

---

1. . رسائل الهدية السنيه، محمد بن عبد الوهاب: رساله دوم.

2. . صحيح مسلم: ج 4، ص 26 (كتاب حج، باب لا تشد الرحال); سنن ابي داود: ج 1، ص 469 (كتاب حج); سنن نسائي، همراه با شرح سيوطي: ج2، ص 37 ـ 38.

3. . ابن تيميه در رد بر أخنايي: ص 27.

4. . توبه: (9)،122.

5. . احياء علوم الدين: ج 2، ص 247 (كتاب آداب سفر) دارالمعرفة بيروت; الفتاوي الكبري: ج 2، ص 24.

6. . صحيح مسلم: ج 4، ص 127; صحيح بخاري: ج 2، ص 76; سنن نسايي، همراه با شرح سيوطي: ج 2، ص 37.

7. . الوهابيه في الميزان: ص 148 ـ 152.

8. . الهدية السنية، محمد بن عبد الوهاب: رساله دوّم.

9. . ابن تيميه در رد بر اخنايي و الفتاوي الكبري ابن تيميه: ج 1، ص 118 ـ 122.

10. . ابن تيميه در رد بر أخنايي: ص 16.

11. . سير اعلام النبلاء حافظ ذهبي: 4 / 484.

12. . البشاره والاتحاف در اختلاف عقيده بين ابن تيميه و الباني: نوشته حسن بن علي سقاف: ص 55.

- خلاصه و نتيجه ى بحث

زيارت قبور در تمام جامعه ها وجود داشته است و دين مقدس اسلام هم آن را امضا كرده، و به آن اهتمام ورزيده است. آنچه كه از رسول خدا صلي الله عليه و آله ثابت شده؛ آن است كه آن حضرت قبور را، همچون قبر مادرش و قبور بقيع زيارت مي كرده است. سيره مسلمين هم، بر زيارت قبر پيامبر و اوليا و صالحان، در زمان پيغمبر صلي الله عليه و آله و بعد از رحلت آن حضرت تا زمان ما همواره جاري بوده است. و نيز، زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله از نظر قرآن و احاديث و تاريخ ثابت شده است. و به زمان حيات پيغمبر صلي الله عليه و آله اختصاص ندارد. و

سخن ابن تيميه در مورد تحريم زيارت قبر رسول خدا صلي الله عليه و آله مخالف نص قرآن، احاديث نبوي، سيره و اجماع علما است كه همگي آن را مستحب مي دانند.